

تبعید از ادرنه برای عکا و شدائد در سفر دریا و سجن عکا

حضرت بهاء الله

اصلی فارسی



لوح رقم (127) امر و خلق - جلد 2

۱۲۷ - تبعید از ادرنه برای عکا و شدائد در سفر دریا و سجن عکا

از حضرت بهاء الله در لوح خطاب بصدر اعظم دولت عثمانی است قوله الاعلی بزعم تو این محیی عالم و مصلح آن مفسد و مقصر بوده جمعی از نسوان و اطفال صغیر و مرضعات چه تقصیر نموده اند ... جمعی که ابدأ در ممالک شما مخالفی نموده اند ... چنین نفوسی را تاراج نموده اید و آنچه داشتند بظلم از دست رفت بعد که امر بخروج اینغلام شد بجزع آمدند و نفوسی که مباشر نفسی اینغلام بودند مذکور داشتند که باین نفوس حرفی نیست و حرجی نه و دولت ایشانرا نفی نمود اگر خود بخواهند با شما بیایند کسیرا با ایشان سخنی نه این این فقراء خود مصارف نمودند و متوکلین علی الله مره اخری با حق هجرت کردند تا آنکه مقرر حبس بها حصن عکا شد و بعد از ورود ضباط عسکریه کل را احاطه نموده اناثا و ذکورا صغیرا و کبیرا جمیع را در قشله نظام منزل دادند شب اول جمیع از اکل و شرب ممنوع شدند چه که باب قشله را ضباط عسکریه اخذ نموده و کل را منع نمودند از خروج و کسی بفر این فقراء نیفتاد و حتی آب طلبیدند احدی اجابت نمود چندیست که میگردد و کل در قشله محبوس و حال آنکه پنج سنه در ادرنه ساکن بودیم جمیع اهل بلد از عالم و جاهل و غنی و فقیر شهادت دادند بر تقدیس و تنزیه اینعباد در حین خروج غلام از ادرنه یکی از احبای الهی بدست خود خود را فدا نمود نتوانست اینمظلوم را در دست ظالمان مشاهده نماید و سه مرتبه در عرض راه سفینه را تجدید نمودند معلوم



ORIGINAL

است بر جمعی از اطفال از حمل ایشان از سفینه بسفینه چه مقدار مشقت وارد شد و بعد از خروج از سفینه چهار نفر از احبا را تفریق نمودند و منع نمودند از همراهی و بعد از خروج غلام یکی از آنچهار نفر که موسوم بعبد الغفار بود خود را در بحر انداخت و معلوم نیست که حال او چه شد این رشتی از بحر ظلم وارده است که ذکر شد معذک اکتفا نموده اید هر یوم مامورین حکمی اجرا میدارند و هنوز منتهی نشده در کل لیالی و ایام در مکر جدید مشغول اند و از خزانه دولت در هر شبانه روز سه رغیف نان باسراء میدهند و احدی قادر بر اکل آن نه .

و در لوحی دیگر قوله الاعز بسم الله اقدس الاعلی قد غدر شیطین البیان فی امر ربهم الرحمن و احتالوا الی ان اشتعلت نارا الافتنان و ارادوا بذلک اطفاء نور الله فی مملکته و انحام نار الله بین بریته و قد رجع مکرمهم علیهم اول مرة و قد وجدوا انفسهم من الخاسرین و ذلک هو الخسران المبین .

و در لوح رئیس قوله الاعلی اعلم یا عبدانا اصبحنا ذات یوم وجدنا احباء الله بین ایدی المعاندين اخذ النظام کل الابواب و منعوا العباد عن الدخول و الخروج و كانوا من الظالمین و ترک احباء الله و الله من غیر قوت فی اللیله الاولى کذلک قضی علی الذین خلقت الدنیا و ما فیها لانفسهم اف لهم للذین امروهم بالسوء سوف یحرق الله ابجادهم انه اشد المنتقمین و زحف الناس حول البیت و بکی علینا الاسلام و النصراری و ارتفع نجیب لابکاء بین الارض و السماء بما ارتکبت ایدی الظالمین انا وجدنا ملاء الابن اشد بکاء من ملل اخری و فی ذلک لآیات للمتفکرین و فدی احد من الاحباء بنفسه و قطع حنجره بیده حبا لله .

و در لوحی دیگر قوله الاعلی فاعلم قد اخرجونا المشرکون من ارض السر و فدی احد نفسه فی سبیلی بحیث قطع حنجره بیده و اذا استوی بحر الاعظم علی الفلک نبذ احد نفسه فی الیم خوفا لفراقی و فدی المنیر روحه حین الذی کان مکجا علی رجلی الی ان ادخلونا احراب البلاد فی هذا السجن البعید .

و قوله الکاشف للرموز و الاسرار بسم الله الاقدس العلی الاعلی فاعلموا یا اهل البیان بان الشیطان (سید محمد اصفهانی) اتحد مع شیطان العجم و غدروا فی امر ربهم الرحمن و کتبوا رسائلنا باسم احد من احبائنا و فیها کتبوا ما ارادوا فیما یضطرب منه الملل و الدول ثم احتالوا الی ان بلغت الرسائل الی الامر و اشتغلت نار الفتنة و البلاء و هاجت اریاح السطوة و القضاء و اخذوا الشیطان و الذین معه من قبلنا و بعد ابتلائه کتب الی شیطان العجم انی کنت معک فاحفظنی من هذه الفتنة الدهماء انه قال لا مهرب لک انی بریئ منک اذا ظهرت شمس کلبة الی اشرقت عن افق فم محمد رسول الله قال و قوله الحق اذ قال الشیطان للانسان اکفر فلها کفر قال انی بریئ منک .

و قوله الاعلی اذا ادخلونا هذا المقام اشتد علینا الامر علی شأن لا یدکر بالبیان ان ربک هو العلیم الخبیر فی کل یوم بزاد البلاء فی یوم یمنعون الناس من الحضور فی هذا المنظر الکریم و فی یوم ینادعون مع احباء الله و یمنعونهم

بالظلم عن التوجه الى حوائجهم الا انهم من اصحاب الجحيم و في يوم يقولون انتم ترسلون الواح و في يوم يتمسكون
بامر اخر الا انهم من الذين ظلموا في الاعصار... و اذكروا اذ دخل نبيل مع اخويه مقبلا الى رب العالمين اخذوا
لدى الباب بما اوحى الدجال (سيد محمد اصفهاني) في صدور الظالمين لما دخلوا مقر الحكم قبل نجد منكم نفحة
الرضوان و من وجوهكم نضرة الرحمن ليس لكم مقر عندنا ان اخرجوا في الحين قال اما سمعتم اكرموا الضيف
فبهت الذي ظلم قال اخرجوه عن المدينة كذلك امرنا من رئيس الفاسقين ورد على النبيل قبل على (آقا محمد على
قائني) و من معه كما ورد عليه ان ربك هو العليم البصير .

وقوله الاعلى ان الشيطان (سيد محمد اصفهاني) قعد على المراصد (مراقب دروازه عكا) اذ دخل احد قاصد ا
مقر المقصود (سجن عكا) يخبر باب الحكومة فاسأل الله بان يبعث من يكفى شره انه على كل شئ خبير .

وقوله الاعلى قد مضت ثلاثة اشهر متواليات و ما دخلنا الحمام كذلك ورد على الغلام من الذين كفروا بنعمة الله
بعد انزالها .

وقوله الاعلى در بعضی از ليالی و ايام اسرای عالم و مظلومهای امم بی قوت شب را بروز آورده اند و روز را
بشب .

وقوله الاعلى طوبى لك بما فزت و زرت ربك الرحمن اذ اشرق من افق السجن بسطان مبین و دخلت باب
الذى من اراده اخذ بالظلم بما اوحى الشيطان في صدور الغافلين و قد طمسنا عين الذين ارادوا لمنع و ادخلناكم
بقوة من لدنا ان ربك هو المقتدر القدير .